

Original Article

Investigating the Health and Medical Status of the Qajar Period from the Point of View of Travel Writers

Afsaneh Khodarezaye¹, Seyed Abdollah Mahmoodi^{2*}, Abdollah Motevali³, Ali Asghar Farazi⁴

1. M.Sc. Student in History of Medical Sciences, Traditional and Complementary Medicine Research Center (TCMRC), Faculty of Medicine, Arak University of Medical Sciences, Arak, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Islamic Sciences, Faculty of Medicine, Arak University of Medical Sciences, Arak, Iran. (Corresponding Author) Email: seyed.mahmoodi1885@gmail.com
3. Associate Professor, Department of History, Faculty of Science Human, Arak University, Arak, Iran.
4. Professor, Department of Infectious Disease, Faculty of Medicine, Arak University of Medical Sciences, Arak, Iran.

Received: 21 Jan 2019 Accepted: 27 Apr 2019

Abstract

Background and Aim: Iran is among the countries that has been the destination of many travelers especially in the nineteenth and early twentieth century. Therefore the aim of this study to investigating the Health and Medical Status of the Qajar Period from the Point of View of Travel Writers.

Materials and Methods: This is a review through access to reliable sources in the form of an article descriptive Health and Medical Status of the Qajar Period from the Point of View of Travel Writers Using the appropriate keywords including "Qajar", "Travel Writers", "Health" and electronic search in SIDs, Google scholar, Pubmed and hand search in credible sources of library information, and focused on the research goal of the study of health and medical status during the Qajar period.

Findings: In general, the angle of view of internal observers and foreign travelers in relation to health (prevention and treatment of diseases, public health) in Qajar is influenced by traditional religious beliefs and in most current travel logs the medicine and public health status in terms of drinking water, Bathing, treating illnesses, the health status of passages and personal health of Iranians during the Qajar period was not appropriate.

Conclusion: The travelers who wrote their memoirs on the trip to Iran during the Qajar period provided a clear picture of the social situation, administrative organization, traditions and traditions of the Iranian people of that time. These travelogues are one of the most important historical and anthropological sources that provide us with useful information about Iranian culture and history of that period.

Keywords: Health; Medicine; Qajar; Travel Writers

Please cite this article as: Khodarezaye A, Mahmoodi SA, Motevali A, Farazi AA. Investigating the Health and Medical Status of the Qajar Period from the Point of View of Travel Writers. *Med Hist J* 2019; 11(39): 15-30.

مقاله پژوهشی

بررسی وضعیت بهداشتی و پزشکی دوره قاجار از دیدگاه سفرنامه‌نویسان

افسانه خدازایی^۱، سیدعبداله محمودی^{۲*}، عبدالله متولی^۳، علی‌اصغر فرازی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ علوم پزشکی، مرکز تحقیقات طب سنتی و مکمل، گروه تاریخ علوم پزشکی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران.

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: seyed.mahmoodi1885@gmail.com

۳. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

۴. استاد گروه بیماری‌های عفونی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اراک، اراک، ایران.

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۱ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۷

چکیده

زمینه و هدف: ایران از جمله کشورهایی بوده که به خصوص در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم مقصد بسیاری از سیاحان بوده است. در پژوهش حاضر سعی بر آن شده تا وضعیت بهداشت و پزشکی ایران از دیدگاه سیاحان آن دوره مورد ارزیابی قرار گیرد.

مواد و روش‌ها: در این مطالعه مروری توصیفی سعی شده است از طریق دسترسی به منابع معتبر وضعیت بهداشتی و پزشکی ایران در دوران قاجار مورد بررسی قرار گیرد. جهت این کار با استفاده از واژگان کلیدی مناسب از جمله «قاجاریه»، «سفرنامه‌نویسان»، «بهداشت» و جستجوی الکترونیکی در بانک‌های اطلاعاتی SID، Google Scholar، Pubmed و جستجوی دستی در منابع معتبر کتابخانه‌ای اطلاعات گردآوری و به هدف محوری پژوهش که بررسی وضعیت بهداشتی و پزشکی در دوران قاجار پرداخته شده است.

یافته‌ها: سیاحانی که خاطرات خود از سفر به ایران در دوره قاجار را به نگارش درآوردند، تصویر روشنی از اوضاع اجتماعی، تشکیلات اداری، آداب و رسوم و سنن ایرانیان آن زمان ارائه داده‌اند. بر اساس منابع یافت‌شده در اکثر سفرنامه‌های موجود وضعیت پزشکی و بهداشت عمومی از لحاظ آب آشامیدنی، استحمام، درمان بیماری‌ها، وضعیت بهداشتی معابر و بهداشت فردی ایرانیان در زمان قاجار مناسب نبوده است.

نتیجه‌گیری: طور کلی زاویه دید ناظران داخلی و مسافران خارجی نسبت به وضعیت سلامت (پیشگیری و درمان بیماری‌ها، بهداشت عمومی) در ایران قاجار متأثر از جامعه سنتی معتقد به ارزش‌های مذهبی بوده و در مجموع نشانگر وضعیت نامناسب بهداشتی در اکثر زمینه‌ها بوده است.

واژگان کلیدی: بهداشت؛ پزشکی؛ قاجاریه؛ سفرنامه‌نویسان

مقدمه

به دنبال رقابت حضور قدرت‌های اروپایی و روسیه در دوران حکومت قاجاریه، دیپلماسی غرب به سبب موقعیت جغرافیایی کشور ما، راه ورود به ایران را گشود و در پی آن گروه‌های سیاسی و نظامی و به دنبال آنان مسافران خارجی راه ایران را در پیش گرفتند و دوباره همانند دوران صفوی گروه‌گروه خارجیان به ایران وارد شدند. از این مهاجران انبوهی اطلاعات مکتوب باقی مانده است؛ داده‌هایی گران‌بها از تاریخ اجتماعی ایران که در دیگر منابع تاریخی اثری از آن‌ها وجود ندارد؛ از سور و سوگ آن‌ها گرفته تا روابط اجتماعی، تعاملات روزانه، اقتصاد، خوراک، پوشاک، بیماری‌ها، بهداشت و پزشکی و فرهنگ عمومی به وسیله سیاحان درج و نگاشته شده است (۳-۱).

رحله یا سفرنامه، به کتابی گفته می‌شود که نویسنده آنچه را در شهر یا شهرهایی که به آنجا سفر کرده، از اخبار مردم، عقاید، آداب و رسوم آنان، در زندگی و مرگ دیده و شنیده گردآورده است یا در آن کتاب، گزارش سفر دیگری را ارائه کرده است (۵-۴).

وضعیت بهداشتی، پزشکی، بیماری‌ها و بیمارستان‌ها نیز از چشم این ناظران به دور نمانده و بعضی از این فرنگیان خود به عنوان طبیب دربار و دارالحکومه در ایران خدمت کردند؛ کسانی همچون پولاک وضعیت بهداشتی - درمانی کشور پیش از ورود طب نوین در ایران را نشان داده و به بیان بیماری‌های بومی و شایع ایران پرداخته و برخی درمان‌های رایج را برشمرده است. عده‌ای نیز در مقام دیپلمات، مستشار و یا جاسوس در این مملکت حضور داشته‌اند. سفرنامه‌نویسان به مثابه ناظری وقایع‌نگار، به ثبت رویدادها و پدیده‌های تاریخی ایران در سده ۱۸ میلادی پرداخته و هر یک با زاویه دید خاص به مسائل پرداخته‌اند (۵).

در عهد قاجار و با ورود طب نوین به ایران، به تدریج طب و طبابت جدید در تهران و سپس شهرهای دیگر معمول شد و پزشکان به مناسبت و یا به عنوان طبیب مخصوص حکام به شهرها اعزام می‌شدند و به این ترتیب به موازات روش‌های درمانی طب قدیم، طبابت نوین نیز گسترش می‌یافت (۹-۶).

سفرنامه‌نویسان داخلی نیز با عنایت به مقدار فراغ و سطح نفوذشان دست به نگارش مسائلی در حوزه وضع تغذیه و بهداشت، نوع غذاها، آب شرب، بیماری‌های بومی و مسری و... سخن می‌گویند. سفرنامه‌نویسان خارجی از جمله «سیریل الگود» تطورات و تغییرات طب قدیم به پزشکی جدید را شکافته‌اند، عده‌ای از سفرنامه‌نویسان مستقیماً سیاق درمان‌ها و طبابت‌های سنتی را بازگو نموده‌اند، مانند وضع طبای ایرانی از دیدگاه دکتر اوئیلز انگلیسی در دوره قاجار: «در ایران علم طب به واسطه تجربیات است و فقط علمی که اطبا از این علم شریف تحصیل نموده‌اند، منحصر به تجربیات ایام است» (۱۴-۱۰).

به طور کلی نگرش حاکم بر دیدگاه مسافران خارجی در تاریخ اجتماعی ایران همواره محل بحث و جدل بوده است؛ قضا یا تا حدودی (حوزه‌های سیاسی و فرهنگ عامه) تحلیل و شکافته شده‌اند، لیکن موضوع سلامت اجتماعی (بهداشت عمومی، تغذیه، پیشگیری، درمان، مراکز درمانی و پزشکان) مورد غفلت پژوهشگران کنونی قرار گرفته و خود به امری مبهم و ناگشوده تبدیل شده است. دوران قاجار به خصوص دولت سلطنت ناصرالدین‌شاه از این جهت در تاریخ تحولات پزشکی مهم می‌باشد که در این دوره طب نوین به تدریج جایگزین طب جالینوسی می‌شود و در واقع در عصر قاجار شاهد عبور آرام ایران از سنتی به مدرنیته هستیم، لذا در این دوره به دلیل کاربرد هم‌زمان دو مکتب پزشکی سنتی و جدید نقطه عطفی در تاریخ پزشکی و بهداشتی ایران شمرده می‌شود و همین امر باعث گردیده بود که مردم ایران با چالش‌های بیشتری در زمینه تطابق فرهنگی با زمینه‌های بهداشت و پزشکی مواجه باشند که وقایع بهداشتی و پزشکی این دوران نیاز به کالبدشناسی و بررسی بیشتری دارد، لذا پژوهش حاضر برآنست که در فضایی علمی و با بهره‌گیری از داده‌های مستند تاریخی این ابهام را شکافته و به سؤال کلیدی این پژوهش بررسی وضعیت بهداشتی و پزشکی ایران در دوران قاجار پاسخ گوید.

مواد و روش‌ها

مطالعه حاضر یک پژوهش مروری توصیفی بوده که با بررسی متون به بررسی وضعیت بهداشتی و پزشکی ایران دوران قاجار پرداخته است. پژوهش مورد نظر از نوع تحقیقات تاریخی و بر اساس اسلوب توصیفی انجام گرفته است، یعنی بر پایه مستندات تاریخی و داده‌های نزدیک به امر واقع، به بازسازی و الگویابی موجود در بطن پدیده تاریخی مورد مطالعه پرداخته است. پژوهش مورد نظر حول جامعه ایرانی (جغرافیای ایران سده هیجدهم میلادی) در دوره قاجار انجام گرفته و دارای چارچوب‌های محدود و مستقل می‌باشد که بر اساس گزاره زمانی (ایران عصر قاجاریه) و مکانی (موجودیت سیاسی و فرهنگی ایران) شکل گرفته است.

چون اصولاً در پژوهش‌های تاریخی، تاریخدان یا مورخ به دنبال تبدیل داده‌های موجود به امر واقع می‌باشد (در سایه گزاره‌های صحیح و متقن) در تحقیق حاضر بیشترین تأکید بر سفرنامه به عنوان منبعی چندوجهی و راوی‌محور است، چنانکه سعی پژوهشگر بر آنست که با یک مطالعه کتابخانه‌ای از سفرنامه و منابع مشابه، اهم اطلاعات راهبردی استخراج و سپس با دیدی تحلیلی به سؤال محوری پژوهش پاسخ دهد.

در این مطالعه مروری جستجو با سؤال زیر شکل گرفت، وضعیت بهداشتی و پزشکی ایران در دوران قاجار چگونه بوده است؟ برای انجام بررسی متون از کلید واژه‌های «Health»، «Medicine»، «Qajar»، «Travel Writers» و «Medical History» به تنهایی یا به صورت ترکیبی در بانک‌های اطلاعاتی استفاده شد. منابع انگلیسی در زمینه وضعیت اقتصادی اجتماعی و بهداشتی ایران در زمان قاجار در Pubmed، Proquest، Schoolar و سایر بانک‌های اطلاعاتی مدلاین مورد بررسی قرار گرفته و از معادل واژگان کلیدی جهت جستجو در بانک‌های الکترونیکی فارسی مشتمل بر منابع وزارت بهداشت (Medlib.ir)، پایگاه اطلاعات علمی (SID)، پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران (IranDoc)، بانک اطلاعات نشریات کشور (Magiran) جستجو صورت گرفت. همچنین جستجوی غیر الکترونیکی با مراجعه به آرشیو مجلات کتابخانه‌ای و بررسی منابع در دسترس فارسی

از جمله کتاب بررسی وضعیت بهداشتی دوران قاجار (۱۴) در رابطه با اوضاع بهداشتی و پزشکی دوران قاجار و همچنین مقالات چاپ‌شده در مجلات علمی - پژوهشی، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی و سمینارها و همایش‌های ملی و بین‌المللی تاریخ پزشکی انجام شد.

با بررسی متون انجام‌شده مشخص گردید که عموماً منابع و مقالات چاپ‌شده به صورت گسسته به اوضاع بهداشتی و پزشکی دوران قاجار پرداخته‌اند و کم‌تر به ارتباط مجموعه نظریات ارائه‌شده در این زمینه به صورت مدون پرداخته بودند، لذا برای انجام مطالعه تحلیل محتوای هر یک از منابع بر اساس سؤال‌های محوری پژوهش انجام گردید که چارچوب محوری پنداشتی (Conceptual Framework) مقاله نیز بر اساس همین سؤال‌ها طراحی گردید، لذا متونی انتخاب شدند که موضوعات آن‌ها در ارتباط با موارد زیر بود:

- ۱- شناخت اوضاع اقتصادی، اجتماعی ایران در زمان قاجار.
- ۲- شناخت سفرنامه‌نویسان معتبر در زمان قاجار.
- ۳- سفرنامه‌نویسان ایرانی و خارجی زمان قاجار.
- ۴- بررسی وضعیت بهداشتی و پزشکی ایران در زمان قاجار.

یافته‌ها

به طور کلی زاویه دید ناظران داخلی و مسافران خارجی نسبت به وضعیت سلامت (پیشگیری و درمان) در ایران قاجار متأثر از فضای دربار قاجار، بافت ایلپاتی و ملوک الطوایفی ایران، جامعه سنتی معتقد به ارزش‌های مذهبی و پیش‌فرض‌های قبلی متغیر و متنوع می‌باشد.

۱- انواع سفرنامه‌نویسی در دوره قاجار

یکی از دلایل تعدد سفرنامه‌نویسی در دوره قاجار رقابت‌های استعماری روسیه و انگلستان بود. در پرتو این رقابت شناخت زمینه‌های نفوذ و مسیرهای پیشبرد اهداف گوناگون آن بسیار مهم بود که سفرنامه‌نویسی می‌توانست با ارائه تصویری واقعی از اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی ایران به اهداف آن‌ها کمک کند.

بررسی موقعیت جغرافیایی ایران و توان نظامی آن برای شرکت‌دادنش در جنگ‌های روس و انگلیس و فرانسه بوده است: تره زل، بن تان و... .

۱-۵-۲- سفرا: این افراد از سوی کشورهای اروپایی به ایران آمده و در کنار انجام‌دادن وظایف سیاسی خود - که شامل دفاع از منافع دول متبوعه‌شان و عقد قراردادهای سیاسی و تجاری و... بوده است - به انجام جاسوسی نیز مبادرت می‌ورزیده‌اند: الیویه، جونز، ملکم، موریه، دوسرسی و... .

۱-۵-۳- کنسول‌ها: که در شهرهای ایران غیر از تهران ساکن می‌شده و به بسط نفوذ دول متبوعه‌شان در میان شهرهای ایران و ایلات و عشایر و روستاییان می‌پرداخته‌اند و آن‌ها نیز به انجام جاسوسی مبادرت می‌ورزیده‌اند: دوبد، اورسل، ویلسون و... .

۱-۵-۴- علما، ادبا و اطبا: که با نیت خیرخواهانه و یا مغرضانه به سیاحت و اقامت در میان ایرانیان پرداخته و به تألیف‌نمودن تحقیقاتی درباره آن‌ها دست می‌زده‌اند: پولاک، فووریه، کرزن، براون، سرنا و... .

۱-۵-۵- جاسوسان نظامی: که بیشتر در دوره بعد از سلطنت مظفرالدین‌شاه به ایران آمده و اوج کار آن‌ها در خلال جنگ جهانی اول بوده است: بلوشر، اوکانر و... (۱۷-۱۵).

۲- سفرنامه‌نویسان خارجی دوران قاجار

بیشتر سفرنامه‌های دوره قاجار از جنبه‌های گوناگون حائز اهمیت است. برخی از سفرنامه‌نویس‌ها با توجه به مقام علمی، فرهنگی و یا سیاسی خود به مردم و فرهنگ ایران از جنبه‌های مادی و معنوی توجه بیشتری کرده‌اند، به ویژه افرادی که در کشور خود صاحب منصب و مقامات مهم دولتی بوده‌اند، حتی بعضی از آن‌ها با تخصص و سابقه پژوهش در زمینه‌ای خاص اعتباری جهانی دارند، مانند کنت دو گوپینو، جرج لرد کرزن، ادوارد براون، دکتر فوریه و ویلیام جکسن.

۲-۱- کنت دو گوپینو: گوپینو در سال ۱۸۵۵ در سفارت فرانسه در تهران مشغول به کار شد. او در سال ۱۸۶۲ به فرانسه برگشت. وی بار دیگر در سال ۱۸۷۵ با سمت وزیر مختار به تهران آمد. او به زبان آلمانی تسلط داشت و با آرای

سفرنامه‌های اروپایی دوره قاجار از لحاظ تعداد و شمولیت موضوع دارای تفاوت‌هایی می‌باشند که برآمده از بخش‌بندی ما بر مبنای مطالعه پیشین آن‌ها می‌باشد.

۱-۱- **استناد به شنیده‌ها:** استناد سیاحان به شنیده‌ها از هر کسی و در هر جا و نقل آن‌ها به عنوان اخباری موثق و معتبر و نشان‌دادن فرهنگ ایرانی بر مبنای آن‌ها صورت می‌گرفته است.

۱-۲- **استناد به منابع تاریخی:** استفاده از منابع تاریخی و سفرنامه‌های سیاحان پیشین و استناد به آن‌ها برای توصیف و تبیین یک پدیده اجتماعی بدون در نظرگرفتن فاصله زمانی - مکانی - میان آنچه که پیشینیان دیده‌اند و آنچه که خود وی دیده است - و امکان بروزنمودن تغییراتی در این فاصله زمانی - مکانی و حتی این احتمال را در نظر نگرفته‌اند که امکان دارد پیشینیان این پدیده را درست درک نکرده باشند.

۱-۳- **تعمیم‌دهی یک پدیده اجتماعی:** همچون رفتار، رسوم، آداب، عادات، سنن و... از یک منطقه، روستا، ایل و یا شهری بر سراسر ایران با استفاده از لغاتی - همچون ایرانیان، همه این‌ها، همه آن‌ها - که بار معنایی آن‌ها نشان از شمولیت دارد.

۱-۴- **مقایسه‌کردن فرهنگ و تمدن ایرانی:** گاه یک ایل، گاه یک روستا و گاه یک شهر و گاه ترکیبی از هر سه این‌ها نماد آن و بیان‌کننده‌اش به شمار آمده‌اند - با فرهنگ و تمدن جدید غرب و نتیجه‌گیری از این مقایسه که همواره تمدن جدید غرب انسانی‌وار و شرقیان، ایرانی‌ها عاری از فرهنگ و تمدن نشان داده شده‌اند.

۱-۵- **برداشت‌های احساسی سیاحان:** وجود داشتن احساسی در میان اغلب سیاحان که مأموریت خود را آن می‌دانستند که مردمان شرقی، ایرانیان را متمدن سازند و تأثیر این احساس در برخورد آن‌ها با ایران و ایرانی و برداشتشان از این برخورد.

سیاحانی که به ایران در دوره قاجار مسافرت کرده‌اند را می‌توان به دسته‌های زیر تقسیم نمود:

۱-۵-۱- مستشاران نظامی: بیشتر این مستشاران در اوایل حکومت سلسله قاجار به ایران آمده و نیت و مأموریت آن‌ها

هگل آشنا بود. برخی فرانسوی‌ها، نازی‌های آلمان را متأثر از آرای گوبینو و تئوری «نژاد پاک» او می‌دانند (۱۸).

۲-۲- پروفیسور ادوارد براون: مستشرق و پژوهشگر

مشهور انگلیسی در سال ۱۸۶۲ به دنیا آمد و در سال ۱۸۸۷ در حالی که کاملاً به زبان فارسی مسلط بود، وارد ایران شد (۷).

۲-۳- ویلیام جکسن: معرف تاریخ ایران و عظمت آن

در سال ۱۸۶۲ در یکی از خانواده‌های قدیمی شهر نیویورک به دنیا آمد و در سال ۱۸۸۷ با دریافت درجه دکتری در رشته تاریخ از دانشگاه کلمبیا به سمت استادی آن دانشگاه انتخاب شد (۱۹).

اما در مورد سفرنامه‌هایی که بیشتر به اوضاع اجتماعی مردم ایران در دوره قاجار و به خصوص وضعیت بهداشت و درمان در این دوره پرداخته‌اند، می‌توان به تعدادی از آن‌ها اشاره کرد:

۲-۴- گیوم آنتوان اولیویه: وی فرانسوی بود و در اوایل

تأسیس سلسله قاجاریه به ایران سفر کرده است و قبل از آغاز سفر خود آثار سفرنامه‌نویسان پیش از خود را به دقت مطالعه کرده بود. اصل کتاب او به زبان فرانسه و در شش جلد است. اهمیت اثر وی به اندازه‌ای بود که بلافاصله پس از بازگشت وی از ایران و سفر به نواحی شرقی (عثمانی و مصر) به زبان آلمانی هم ترجمه شد. تسلط و آگاهی اولیویه به امور پزشکی و چگونگی بیماری‌های مختلف این امکان را به وی داده است تا به خوبی روند امراض و ناخوشی‌های گوناگون سرزمین ایران را که اغلب نیز بومی این منطقه است، بررسی کند و اطلاعات جامعی را در اختیار تاریخ پزشکی کشور قرار دهد، از جمله موارد بهداشتی دیگر از وضع ایران، نوع آب، شیوه آبیاری و وضع قنوات آن است. عدم لایروبی قنوات و چاه‌های آب ایران و در نتیجه آلودگی آن‌ها، بهداشت و سلامتی آب و اهالی شهر را دچار مخاطره می‌کرده است. همچنین وضع یخچال‌های تهران نیز مورد توجه اولیویه قرار گرفته است (۱۴).

۲-۵- گاسپار دروویل: افسر فرانسوی که همراه گروه

ژنرال گاردان بر اساس عهدنامه فین کنشتاین به ایران آمد، اما پس از تلاش‌های ناکام گاردان به طور خصوصی به استخدام

دولت ایران درآمد و خاطرات خود را در سال ۱۸۲۸ در دو جلد منتشر کرد. اهمیت این سفرنامه علاوه بر شرح اوضاع سیاسی اوایل دوره قاجار، اطلاعات وی درباره آب و هوای شهرهای ایران، جمعیت، حمام‌های عمومی، معماری، بازارها، مراسم عروسی، اغذیه ایرانی و به خصوص بهداشت و طبابت بسیار حائز اهمیت است. کتاب وی تحت عنوان سفر در ایران با ترجمه منوچهر اعتمادمقدم ترجمه و چاپ گردیده است (۱۰).

۲-۶- یاکوب ادوارد پولاک: از شرح حال پولاک

اطلاعات زیادی در دست نیست. وی در سال ۱۸۱۸ در یکی از نواحی بوهم، زاده شد و در سال ۱۸۹۱ در وین درگذشت. وی از ۱۸۵۱ تا ۱۸۶۰ در ایران زیست و از ۱۸۵۵ طبیب مخصوص شاه شد و در ۱۸۸۲ بار دیگر به ایران سفر کرد و بعدها در وین به تدریس زبان فارسی مشغول شد.

دکتر پولاک عملاً معلم طب و جراحی بود، ولی خودش سمت خویش را دواسازی نوشته است و ظاهراً استخدام او هم به عنوان معلم دواسازی یا حکمت که مجموعه معلومات طبی آن عصر بوده، صورت گرفته بوده است. وی از همه همکاران خود در ایران معروف‌تر بود. دکتر پولاک در سال ۱۲۷۲ قمری پس از مرگ دکتر کلوک و پیش از استخدام دکتر طولوزان طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه بود (۹).

۲-۷- اورسل: ارزنت اورسل در ۱۸۵۸ در مونس یکی از

شهرهای کوچک بلژیک به دنیا آمد. مطلب مهم در مورد اورسل این است که او نه یک فرستاده سیاسی است و نه مأمور موظف نظامی و نه یک مستشار حکومتی، بلکه پژوهشگری است کنجکاو که فقط به انگیزه تحقیق و تفحص قدم در این راه گذاشته است. وی توصیفات دقیقی از کوچه‌ها و برخی از محلات تهران و اوضاع بهداشتی دارد (۴).

۳- سفرنامه‌نویسان ایرانی دوره قاجار

سفرنامه‌نویسی ایرانیان عصر قاجار را می‌توان به چند دسته مشخص تقسیم‌بندی کرد:

۳-۱- سفرنامه‌های دوران جنگ: از میان این سفرنامه‌ها

می‌توان به سفرنامه حمزه‌میرزا اشاره کرد که به شرح

لشکرکشی ۱۲۷۶ قمری به مرو و جنگ و گریز با تراکمه از دیدگاه یک شاهد عینی می‌پردازد.

۳-۲- سفرنامه‌های زیارتی: تعدادی از زائرین خانه خدا و یا عتبات عالیات در دوره قاجار به شرح سفر خود در این مسیر پرداخته‌اند که سفرنامه‌های زیر از آن جمله‌اند:

۳-۲-۱- تحفه‌الحرمین (سفرنامه نایب‌الصدر شیرازی): این سفرنامه در سال ۱۳۰۵ قمری نوشته شده است و در واقع گزارشی است از زیارت خانه خدا و سیاحت عثمانی و هند توسط مؤلف که در مسیر عبور خود تعدادی از شهرها و روستاهای ایران را نیز توصیف می‌کند.

۳-۲-۲- سفرنامه ادیب‌الملک به عتبات: این سفرنامه در سال ۱۲۷۳ قمری نوشته شده است و نویسنده از شهرهای همدان، کرمانشاه و قصرشیرین عبور کرده و بعد از زیارت عتبات عالیات در عراق به ایران بازگشته است و در معرفی آبادی‌ها و شهرهای غربی و همچنین بعضی از شهرهای عراق منبع مفیدی به شمار می‌آید.

۳-۲-۳- سفرنامه محمدحسین حسینی فراهانی: میرزا محمدحسین فراهانی فرزند میرزامحمد مهدی ملک‌الکتاب بود که در سال ۱۲۶۴ قمری در قریه آهنگران فراهان زاده شد و سفرنامه خود را در دومین سفر خود به قصد زیارت خانه خدا به فرمان ناصرالدین‌شاه نوشته است. مؤلف سفر خود را در ۱۳۰۲ قمری از تهران شروع کرده است و از شهرهای قزوین، رشت و بندر انزلی گذشته است و به بادکوبه رفته و بعد به باتوم و استانبول سفر کرده است. بعد از چند روز به طرف جده حرکت می‌کند و بعد از زیارت از همان مسیر رفت به ایران بازگشته است. خواننده در این سفرنامه با اوضاع جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی، بناها و آثار تاریخی مناطق مختلف آشنا می‌شود. این کتاب همچنین اطلاعات ذی‌قیمتی درباره مباحث مذهبی، اوزان و مقادیر در بخشی از ایران و سرزمین‌هایی که مؤلف از آن‌ها دیدن کرده است، به دست می‌دهد.

۳-۳- سفرنامه‌های سیاحتی و تفریحی: از میان این سفرنامه‌ها می‌توان از سفرنامه حاج سیاح به فرنگ نام برد که مؤلف بعد از حرکت از محلات، همدان، بیجار، مراغه و تبریز

به سمت قفقاز حرکت کرد و در ادامه وارد ممالک اروپایی گردید و از بسیاری از شهرهای اروپایی دیدن کرد.

۳-۴- سفرنامه حاجی‌پیرزاده: در این سفرنامه مؤلف سفر خود را از تهران در سال ۱۳۰۳ قمری شروع کرده است و در معیت احمدخان مویدالملک و صاحب دیوان شیرازی از راه هند به اروپا می‌رود و در برگشتن از طریق بغداد و بصره به ایران بازمی‌گردد.

۳-۵- سفرنامه سکینه‌سلطان وقارالدوله: این سفر یکصد روزه در سال ۱۳۲۳ قمری از تهران به مقصد شیراز آغاز شده و به قصد بردن عروس ملک منصورمیرزا شعاع‌السلطنه پسر مظفرالدین‌شاه و حاکم فارس صورت گرفته است. سکینه سلطان سرگذشت این سفر را به نگارش درآورده است.

۳-۶- سفرنامه‌هایی با هدف رفع اختلافات: در این سفرنامه‌ها نویسنده برای حل یک مسأله و رفع اختلافات حکام سفر کرده است، مانند سفرنامه میرزاخانلرخان اعتصام‌الملک در سال ۱۲۹۳ قمری برای حل اختلافات بین امیرعلم‌خان امیر قاین با دولت و رکن‌الدوله والی خراسان انجام شده است.

۳-۷- سفرنامه‌هایی با هدف انجام تحقیق: این سفرنامه‌ها با هدف تحقیق در خصوص راه‌ها، پل‌ها و بندها (سدها) و یا ارزیابی قدرت خوانین صورت گرفته است، از آن جمله می‌توان به سفرنامه‌های نجم‌الدوله به خوزستان اشاره کرد که در سال‌های ۹۹-۱۲۹۸ قمری و ۱۳۰۶ قمری نوشته شده است.

سفرنامه‌های مأمورین و مباشرین تیولداران بزرگ به عنوان نمونه سفرنامه مازندران گزارش روزانه محمدجعفرخان مباشر عضدالملک قاجار در سال ۱۲۸۱ شمسی است که اطلاعات ذی‌قیمتی در خصوص زمینداری و جامعه روستایی مازندران و مالکیت زمین به دست می‌دهد.

به طور کلی سفرنامه‌نویسان ایرانی کم‌تر به مسائل پزشکی و بهداشتی مردم توجه نشان داده‌اند و بیشتر مطالب کتب آن‌ها تابع مأموریتی بود که بر عهده داشتند (۲۲-۲۰).

۴- بهداشت و طبابت ایرانیان از نگاه سفرنامه‌نویسان

۴-۱- وضعیت بهداشتی شهرهای ایران از نگاه

سفرنامه‌نویسان: توصیف شهرهای بین راه با شرح جزئیات، از نکاتی بوده که سفرنامه‌نویسان و به خصوص سفرنامه‌نویسان خارجی به آن پرداخته‌اند و در این بین از وضعیت بهداشتی کوچه‌ها و خیابان‌ها و ساکنان شهرها نیز غافل نبوده و گاه شرحی مبسوط از این موضوع در سفرنامه‌های خود آورده‌اند که از مطالب خواندنی کتب آن‌ها نیز به شمار می‌آید. از نکات قابل توجهی که در شهرها توجه سفرنامه‌نویسان را به خود جلب کرده است می‌توان به وضعیت بهداشتی آب آشامیدنی ساکنین، حمام‌های عمومی و کوچه‌ها و خیابان‌ها اشاره کرد (۲۳-۲۴).

به طور کلی وضعیت بیشتر کوچه‌های شهرهای ایران از سوی آنان کثیف و غیر بهداشتی توصیف شده است. ویلیام هالینگبری بعد از تمجید از سبک معماری خانه‌های شیراز، کوچه‌های شهر را بسیار باریک و کثیف توصیف می‌کند (۲۵). جکسن نیز در توصیف همدان می‌نویسد: «هیچ تشابه‌ای از فر و شکوه باستانی هگمتانه که روزگاری سرای شاهان بود، به چشم نمی‌خورد و کوچه‌های پیچ‌پیچی که از آن عبور می‌کردم، از میان گورستان مسلمانان که در قلب همدان قرار دارد، می‌گذشت و هرگز بوی زننده تعفنی را که از گورهای کم عمق برمی‌خاست، فراموش نمی‌کنم. چیزی به جز شدت سرمای زمستان‌ها و موقع مناسب بهداشتی همدان مانع از بروز طاعون و وبا نمی‌گردد» (۱۹). پیش‌تر از آن و در دوره فتح‌علی‌شاه، هالینگبری نیز کوچه‌های این شهر را بسیار تنگ و در تمام فصول سال به ویژه زمستان بسیار کثیف توصیف می‌کند (۲۵).

دیگر سفرنامه‌نویسان نیز تصویری بهتر از سایرین در خصوص کوچه‌ها و خیابانهای شهرهای ایران ارائه نمی‌دهند (۴، ۲۶-۲۷).

البته آن‌ها تمیزی برخی از شهرها ایران را ستوده‌اند، چنانچه یکی از آن‌ها بعد از ورود به کاشان می‌نویسد: «صرف نظر از چند خانه و ساختمان خراب، بقیه بخش‌های شهر، کوچه‌ها و خیابان‌ها، بازارها و دکان‌ها، آب‌انبارها و مساجد،

همه تمیز و خوب حفظ شده بودند، رنگ‌آمیزی و نقاشی‌های جالب داشتند و سنگفرش کوچه و خیابان‌ها از پاره‌ای شهرهای اروپایی هم بهتر به نظر می‌رسید. برای ما جای شادمانی زیادی بود که در یک شهر کاملاً تمیز و نمونه وارد شده‌ایم» (۲۸).

قزوین از جمله شهرهای دیگر ایران بوده که به تمیزی شهرت داشته، «قزوین از تمام شهرهایی که در ایران دیده‌ام، زیباتر است. خیابان‌هایش به حد کافی عریض است و خیلی کج نیست و کثافت کم‌تری هم به چشم می‌خورد» (۲۹).

دفع فاضلاب از خانه به بیرون به دو صورت انجام می‌شده است: یا چاه‌های فاضلابی را در داخل حیاط حفر کرده و از طریق لوله‌هایی فاضلاب را به آن‌ها هدایت می‌کرده‌اند و یا از طریق دفع کردن آن‌ها به داخل جوی‌های جاری در کوچه‌ها از وجود آن‌ها خانه را پاک می‌کرده‌اند (۳۰).

در باب دفع فاضلاب در تهران در اواخر دوره قاجار، گیلیمور می‌گوید: «هر منزل دارای یک چاه مستراح اختصاصی است که یا در زیر ساختمان‌ها و یا در حیاط و باغ قرار دارد، مستراح‌ها در طبقه هم‌کف قرار دارند. سنگ مستراح از گل پخته است و یک لوله خمیده به صورت «U» از آن جدا می‌شود که پر از آب بوده و به عنوان سرپوش کار می‌کند. محتویات چاه مستراح به وسیله زمین جذب می‌شوند، ولی اگر چاه پر بشود، آن را بسته و یکی دیگر می‌کنند. در تمام مدت اقامتم در شهر هیچ چاه مستراحی را در حال خالی‌کردن ندیدم» (۳۱).

با توجه به گفته‌های گیلیمور می‌توان نتیجه گرفت که تا حدودی حداقل در برخی از نقاط تهران دفع فاضلاب به میان جوی‌های آب جاری در خیابان‌ها و کوچه‌ها راه، که در دوره‌های پیش از آن گزارش شده است، در این زمان وجود نداشته و نحوه دفع فاضلاب تقریباً به سطح بهداشتی رسیده است.

فیودورکوف که در ابتدای سلطنت محمدشاه قاجار به ایران سفر کرده، اشاره می‌کند که: «خیابان‌های تهران از روزی که این شهر را ساخته‌اند، برای یک بار هم که شده جاروب نخورده است! تاکنون هیچ کس نسبت به این کار احساس نیاز نکرده است و کسانی که علاقمند باشند، می‌توانند علم کالبدشناسی تمام جانوران را در این خیابان‌ها بیاموزند! بقایای

اجساد شترها، الاغ‌ها، قاطرها، اسبان، سگان و گربه‌ها تا زمانی که سگ‌های گرسنه آن‌ها را نخورند، در خیابان‌ها افتاده است، اما حتی گذشت زمان نیز قادر نیست استخوان‌ها را از بین ببرد» (۲۹).

قبرستان‌ها که معمولاً در وسط شهرها قرار داشتند، خود از عوامل غیر بهداشتی جلوه‌کردن شهرهای ایران از نظر اروپاییان و همچنین عامل ابتلای بسیاری از افراد به بیماری‌های مختلف به شمار می‌رفته است (۹).

در مورد مهمان‌خانه‌ها و کاروانسراها و قهوه‌خانه‌ها هم مطالب زیادی از سوی سفرنامه‌نویسان نگاشته شده است، اما کم‌تر به وضعیت بهداشتی آن‌ها پرداخته‌اند. بروگش در مورد یکی از مهمان‌خانه‌های قزوین می‌نویسد: «در طبقه فوقانی این عمارت اتاق‌های تر و تمیزتری وجود دارد که با اسباب و اثاثیه اروپایی، نظیر میز و صندلی و فرش و کاناپه و... مجهز است. فقط دیوارها، سقف و پنجره‌ها، مطابق ذوق و سلیقه ایرانی تزیین شده است. این اتاق‌ها به ایوان عریضی باز می‌شود که در پشت عمارت واقع شده است. این مهمان‌خانه به جز مسواک و پسر بچه واکسی و آئینه دستی، هیچ کم و کسری ندارد» (۲۸).

۲-۴- آب آشامیدنی: در شهرها برای لوله‌کشی آب لوله‌هایی از گل پخته را سرهم‌بندی کرده و آن‌ها را در همین حال به‌صورت افقی در ملاتی از گل رس قرار می‌دادند. ملات مزبور پس از خشکیدن به‌صورت پوشش نفوذناپذیری در می‌آمد. لوله‌های سفالی با این‌که بیش از یک یا چند پازیرزمین نیست، با این حال سالیان دراز دوام می‌آورد و به واسطه این چنین سیستم لوله‌کشی‌ای بسیاری از شهرها از آب آشامیدنی برخوردار می‌شده‌اند. به طور کلی آب آشامیدنی شهرها نیز از نظر سفرنامه‌نویسان چندان بهداشتی توصیف نشده و در این باره نیز مطالبی را به نگارش درآورده‌اند (۲۳، ۳۲).

جکسن آب آشامیدنی تبریز را نیز غیر بهداشتی می‌داند و اشاره می‌کند که در امر اداره کردن آبیاری شهر چندان توجهی به بهداشت نمی‌شود و فاضلابی که در سطح زمین جاری است آب آشامیدنی را سخت فاسد و آلوده می‌کند؛ پیداست که این

وضع چگونه سبب می‌شود که بیماری‌های عفونی از قبیل وبا شیوع یابد (۱۹).

آب‌انبارها نیز در مناطقی که بارش کم‌تری داشتند، مخازن آلوده‌ای بودند که افراد را به بیماری‌های مختلفی دچار می‌کرده است، «در این آب‌های راکد که بیش از یک سال در آب‌انبارها مانده‌اند، انواع انگل‌ها و کرم‌ها پرورش می‌یابد و با مصرف این آب‌ها غالباً اهالی به بیماری خطرناکی به نام پیوک مبتلا می‌شوند» (۱۹).

۳-۴- حمام‌ها: تطهیر در دین اسلام بر مسلمانان واجب گردیده است و رعایت این فریضه باعث توجه افزون‌تر مسلمانان به رعایت نظافت شده است. در تمامی شهرهای ایران، چه بزرگ و چه کوچک، همواره حمام‌هایی عمومی برای استفاده عموم - و چندتایی نیز خصوصی برای اشراف و شاهزادگان - احداث می‌گردیده است. حمام‌های عمومی از دیگر اماکنی بوده که معماری و مسائل بهداشتی آن‌ها توجه بسیاری از سفرنامه را به خود جلب کرده است.

پیرزاده در اشاره به وضعیت بهداشتی حمام‌های اصفهان می‌نویسد: «وضع حمام‌های اصفهان بسیار بد است اولاً آنکه دو خزینه دارد، یکی بزرگ و یکی کوچک... خزینه کوچک که فی‌الجمله آب آن ملایم است بسیار کثیف و متعفن و آب آن چرک و بدبو به جهت آنکه از صبح تا به شام جمعیت زیاد در آن خزینه کوچک می‌روند و هر نوع و هر قسم ناخوشی‌ها و مرض‌ها و کثافات‌ها و نجاست‌های خود را در آن خزینه کوچک می‌شویند و اسم آن این است که آب کر است! باری بعد از آنکه خود را در آن حمام و در آن خزینه نجس تر کردیم، از حمام بیرون آمده یک کوزه آب سرد از چاه کشیده به روی سر و بدن خود ریخته از بدبویی و تعفن حمام خلاص شده، به منزل رفتیم.» بروگش نیز درباره حمام‌های عمومی می‌نویسد: «این مکان‌ها هم نباید چندان پاکیزه باشد، زیرا فقط هفته‌ای یک بار بخش‌های مختلفش را نظافت می‌کنند» (۲۸).

۵- بیماری‌ها، روش‌های درمانی و طبابت ایرانی

گسترش بیماری‌های آندمیک و دیگر بیماری‌های متداول دوران قاجاریه به دلیل وجود و وفور حشرات ناقل و نیز غذا و آب آشامیدنی غیر بهداشتی تسهیل می‌شد. مگس‌ها، کک‌ها،

شپش‌ها، کرم‌ریزه‌ها و پشه‌ها در همه جا حضور داشتند و هیچ اقدامی بر علیه آن‌ها و جلوگیری از تماس آن‌ها با انسان‌ها صورت نمی‌گرفت، هر چند که بسیاری از خانه‌ها آبریزگاه داشتند، اما دفع فضولات به شیوه‌ای غیر بهداشتی انجام می‌شد، در نتیجه خود شهرها و روستاها اغلب همچون چاه فضولات روباز جلوه می‌کردند. آبریزگاه‌ها (از آنجا که خشک نبودند) همچون منبعی برای رشد مگس‌ها محسوب می‌شدند. در مناطق روستایی آبریزگاه وجود نداشت، در نتیجه فضولات و مواد آلوده‌کننده دیگر در تماس با آب آشامیدنی و آب شستشو قرار می‌گرفت و به عنوان ناقل بیماری‌های عفونی عمل می‌کردند. مسأله با نبود بهداشت فردی که خود به انتشار بیماری‌ها کمک می‌کرد، بدتر می‌شد. همچنین صابون همیشه در دسترس نبود و کیفیت آن نیز متغیر بود (۳۳).

بروگش در سفر دوم خود به ایران در مورد یکی از علل بیماری‌های گوارشی می‌نویسد: «اکثر ایرانیان چون سایر اهالی مشرق‌زمین، علاقه مفرطی مثل علاقه کودکان نسبت به خوردن میوه‌های کال دارند و این یکی از علل اصلی شیوع بیماری‌های گوارشی و سوءهاضمه است» (۲۸).

بروگش به بیماران جذامی بر سر راه تبریز به زنجان نیز اشاره می‌کند و در مورد این بیماران می‌نویسد: «مردان و زنان و کودکانی که این بیماری وحشت‌انگیز چهره‌هایشان را به شکل مشمئزکننده‌ای درآورده و جوش‌های کریه‌المنظر قرمز و برآمدگی‌های خوشه‌مانندی روی پیشانی و گونه‌ها و بینی‌هایشان دیده می‌شود. با این چهره و با لب و دهان کج و کوله‌شده، چشمانی قی‌کرده، زخم‌های التیام‌نیافته، لکه‌های بزرگ سفید روی پوست و اعضای که توسط این بیماری خورد شده، آهسته روی زمین می‌خزند و به طرف مسافر می‌آیند.» در ادامه در مورد علاج این بیماری می‌نویسد: «بنا به تشخیص پزشکان اروپایی مرضی تقریباً علاج‌ناپذیر است. ظاهراً یگانه راه ریشه‌کنی این بیماری دور کردن بیماران از جامعه و ممانعت از تولید مثل بین خود آن‌هاست تا شاید بدین‌وسیله به مرور زمان از بین برود» (۲۸).

بروگش در مورد طبیبان ایرانی می‌نویسد: «به طور کلی معالجه بیماران را در شهرها و روستاها حکیم‌هایی به عهده

دارند که اطلاعات صحیح و علمی از طب ندارند و فقط با یک رشته درمان‌ها و داروهای سنتی که از پدران و اساتید خود آموخته‌اند، آشنا هستند و طبیعی است که در تشخیص بیماری و درمان آن دچار اشتباهات زیاد می‌شوند» (۲۸).

ژوبر فرانسوی که در تهران مریض شده بود و توسط طبیبان ایرانی مداوا شد، در مورد یکی از این طبیبان می‌نویسد: «عقایدش کاملاً جالینوسی بود و از دستگاه گردش خون خبر داشت و گنه‌گنه و داروهای قی‌آور را می‌شناخت و لیکن این داروها را مانند کوبیدن مایه‌ها از بدایع خطرناک می‌شمرد و ایمانش به دعاها و حرزها بیش از آن‌گونه درمان‌ها بود» (۳۴).

اولیویه درباره طبابت ایران می‌نویسد: «علم جراحی آن‌ها منحصر است به فصد و حجامت و داغ‌نهادن و گشودن بعضی از اورام خارجی و مرهم‌گذاشتن به زخم‌ها و جا به جاکردن استخوان، چنانچه اگر در مفصل حرکت و تبدیل مکانی کرده باشد. فن طبابت را در بلوکات و دهات اشخاصی متصدی هستند که همواره از دهی به دهی می‌روند و گشت زنند و همیشه اجرت را پیش از مداوا گیرند، اگرچه در این فن مهارتی و علم درستی ندارند، اما به لاف و گزاف چنان سخن را به استادی و خاطر جمعی گویند که عوام را فریب دهند و معتقد خود سازند و بعداً اظهار یاس نکنند و هرگز خطایی را به خود نگیرند. خورجین و کیسه‌ای همراه دارند که در آن بعضی نباتات و سفافیر و بعضی اسباب‌ها باشد و به محض دیدن بیمار شربتی یا معجونی به وی دهند و حجامت کنند و داغی نهند و مرهمی گذارند» (۵).

کوتسیو در مورد طبیبان ایرانی می‌نویسد: «یکی از چرک‌های ما که مانند سایر رفقاییش پیرو دین اسلام بود، سخت مریض شد، دکتر مولر نهایت مواظبت و مراقبت را درباره مشارالیه معمول داشت، چون موافق دلخواهش سریعاً معالجه نشد، نخواست دیگر به دستور او رفتار کند و طبیب ایرانی خواست... طبیب تبریز هم قیافه جدی به خود گرفته وارد شد، همین که فهمید مریض مبتلا به تب شدیدی است، مقدار زیادی خنکی برای او تجویز نمود. مریض بدبخت هم سه روز از این ادویه را خورد و مرد» (۳۵).

می‌توان به کاشان و عقرب‌های آن اشاره کرده که تقریباً همه کسانی که از این شهر نوشته‌اند به عقرب‌های خطرناک این شهر نیز اشاراتی کرده‌اند (۵، ۳۹).

۶- بهداشت فردی ایرانیان

هرچند اشارات سیاحان داخلی و خارجی به وضعیت بهداشتی کوچه‌ها، حمام‌ها و... پیوند تنگاتنگی با بهداشت و سلامتی تمام افراد جامعه ایرانی در دوره قاجار داشته است، اما در این نوشته‌ها کم‌تر به بهداشت فردی ایرانیان پرداخته شده است و از اشارات پراکنده آنان متوجه می‌شویم که ایرانیان یکجانشین بیشتر از کوچ‌نشینان به رعایت بهداشت فردی خود توجه نشان می‌دادند و این مطلب را از وجود حمام‌های متعدد در شهرها و بسیاری از روستاهای ایران آن دوره می‌توان فهمید. اشاراتی کلی از سوی برخی از سفرنامه‌نویسان به مسأله بهداشت فردی ایرانیان شده است به عنوان نمونه ادموندز در راه خرم‌آباد حین توقف برای ناهار می‌نویسد: «غذای من کباب خوشمزه قلوه بود و ذرت، اما دست‌های کثیف لرها که ذرت را می‌مالیدند و برای زدودن خاکستر آتش به آن‌ها فوت می‌کردند اشتها را کور می‌کرد» (۳۰).

آداب غذاخوردن ایرانیان و مسائل بهداشتی مربوط به آن از دیگر موارد اشاره‌شده سفرنامه‌نویسان بوده است. بروگش در مورد آداب غذاخوردن ایرانیان می‌نویسد: «به شیوه سایر مشرق‌زمینان نشسته و با دست غذا می‌خورند و از کارد و چنگال ما اروپاییان استفاده نمی‌کنند. ایرانی‌ها غذا را با دست راست لقمه کرده و در دهان می‌گذارند. قبل و بعد از صرف غذا دست و دهان خود را با آب می‌شویند» (۲۸).

لایارد نیز در اصفهان هنگام میهمانی و صرف غذا می‌گوید که «برای من که یک نفر اجنبی بودم مجمعی جداگانه آوردند و خوشحال شدم که با آنان روی یک سفره هم غذا نشدم، چون آنان با انگشتان و ناخن‌های کثیف خودشان غذا را آلوده می‌کردند» (۴۰).

در دوره ناصری هرچند اقداماتی در راستای بهبود سطح بهداشت عمومی و به خصوص از سوی امیرکبیر صوت گرفت، اما باز هم در این دوره تفاوت‌چندانی با دوره‌های قبل از آن نمی‌بینیم و همچنان گزارش‌ها حاکی از همان وضعیت

در بین اطباء، زنانی نیز بودند که به این کار اشتغال داشتند. دالمانی با اشاره به طبیبان زن در بختیاری آنان را طبیبان ماهری می‌داند که به خصوص در مرهم‌گذاری و بستن زخم و بیرون کشیدن گلوله از تن تیر خورده مهارت دارند (۳۶).

پولاک نیز در مورد طبیبان ایرانی می‌نویسد: «طبیب‌های ایرانی که حکیم هم به آن‌ها می‌گویند، خیال می‌کنند علم مداوایی را در اختیار دارند که با مقتضیات خاص سکنه ایران، و شرایط آب و هوای آن مطابقت دارد و با طب اروپایی، یا به عبارت دیگر فرنگی، کاملاً متفاوت و مختلف است؛ این‌ها اصلاً نمی‌دانند که اطلاعات مختصر طبی آن‌ها چیزی نیست جز پرتویی و گاه تصویر مسخ‌شده‌ای از علم امراض جالینوسی که از آن هم فقط قالب را به عاریت گرفته‌اند نه محتوایش را...» (۹). درویل علم جراحان ایرانی را محدود به گذاشتن روغن و مرهم بر روی هر زخم می‌داند که این پایه معلومات و تنها منبع درآمد آن‌ها است (۳۲).

استفاده از چشمه‌های آب گرم از روش‌های درمانی بوده است که در سفرنامه‌های زیادی به آن اشاره شده است، هالینگبری پس از گذشتن از کنار این چشمه‌ها می‌گوید: «گفته می‌شود آب این چشمه‌ها برای درمان زخم و امراض پوستی خواص طبی دارد و از این بابت مشهور است» (۲۵).

بارنز نیز با اشاره به شیوع طاعون در شمال ایران بعد از عبور از شهر اشرف می‌نویسد: «متوجه شدیم که راه اصلی مسدود است و یک روستایی با چوب دستی بر سر راه نشسته بود تا از عبور مسافران جلوگیری کند. این در حکم سازمان بهداشت در شهر اشرف بود، زیرا ما اینک برای اولین مرتبه از شیوع طاعون در شهر ساری مطلع شدیم» (۳۷).

برخی از شهرها و مناطق ایران به شیوع بیماری خاصی معروف بودند، مثلاً در نواحی جنوبی و جنوب غربی نوعی از چشم‌درد شایع بوده و مردمان همواره از عذاب ناشی از آن در رنج بوده و چه بسا بسیاری نابینا می‌شده‌اند (۳۸).

برخی از شهرهای دیگر ایران نیز به داشتن انواع حشرات و گزندگان خطرناک و بیماری‌زا معروف بوده‌اند، از آن جمله شهرهایی که در آثار سفرنامه‌نویسان به آن‌ها اشاره شده است،

چند شهر دیگر بود، البته در زمان ناصرالدین‌شاه، در میان مدارس هیأت‌های مذهبی - و حتی سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌ها - امکاناتی برای بیماران، در بعضی از اتاق‌ها به این امور اختصاص داده شده، انجام می‌گرفت، ولی آنچه که بتوان از آن با نام بیمارستان یاد کرد، در این دوره و در بعد از انقلاب مشروطه و جنگ جهانی اول به وجود آمد. بالاتر رفتن سطح بهداشت عمومی و کاهش یافتن بیماران مبتلا به انواع امراض و همچنین بالاتر رفتن امکان مداوای مبتلایان، از تأثیراتی بوده که تأسیس بیمارستان در شهرستان‌ها بر مردمان شهری، روستاییان و عشایری که برای مداوا به شهر می‌آمدند، داشته است (۴۵-۴۴).

بحث

سیاحانی که خاطرات خود از سفر به ایران را به نگارش درآوردند، تصویر روشنی از اوضاع اجتماعی، تشکیلات اداری، آداب و رسوم و سنن ایرانیان آن زمان ارائه می‌دهند. نتایج این مطالعه نشان داد که سیاحانی که خاطرات خود از سفر به ایران در دوره قاجار را به نگارش درآوردند، وضعیت بهداشت عمومی ایران را از لحاظ آب آشامیدنی، استحمام، درمان بیماری‌ها، وضعیت بهداشتی معابر و بهداشت فردی ایرانیان در زمان قاجار مناسب ارزیابی نکرده‌اند.

می‌توان اشاره نمود که نگاه سفرنامه‌نویس به فرهنگ ایرانی با توجه به این‌که چه برخوردی با وی شده، چه مأموریتی داشته، در چه زمانی به ایران سفر کرده و... قابل ارزیابی است. بنابراین نگاه آن‌ها به باورهای مذهبی، آداب و رسوم و رفتار و شخصیت ایرانیان نگاه متفاوت و گاه متناقضی است. با این وجود از نگاه این سفرنامه‌نویسان در مورد بهداشت و طبابت ایرانی می‌توان به این نتیجه رسید که در شهرهای ایران اوایل عصر قاجار، به علت نبودن سیستم آبرسانی و دفع فاضلاب به گونه‌ای بهداشتی، امراض مسری بسیاری شیوع پیدا کرده و مرگ و میرهای زیادی را موجب می‌گردیده، به علاوه رعایت نکردن نظافت کوچه و خیابان و استفاده همگانی از لوازم زندگی، نیز دست به دست هم داده و باعث افزون شدن میزان خسارت وارده می‌گردیده است. وجود امراض مسری

بهداشتی سابق و شیوع بیماری‌های صعب‌العلاج و مرگ و میر بسیاری از مردم است. اقدامات امیرکبیر در زمینه بهداشت عمومی و سلامتی مردمان را دکتر پولاک یادآور شده و گفته است: «او که می‌خواست جمعیت مملکت ازدیاد پیدا کند، سدی در برابر کشتار آبله ایجاد کرد و در سراسر مملکت تلقیح را برقرار ساخت؛ دستور مبارزه با این بیماری را از زبان انگلیسی امر به ترجمه کرد و آن را تکثیر و انتشار داد؛ طبایی را برای تلقیح با حقوق خوب به خدمت گرفت و آنان را به ولایات مختلف گسیل داشت» (۹). طبیعی می‌نماید که با برکناری و کشتن امیرکبیر طرح‌ها و اقدامات وی نیز بی‌نتیجه مانده و مغفول شدند، اما سایکس که در اواخر دوره قاجار به ایران سفر کرده، وضعیت بهداشتی ایرانیان و اهمیت آن‌ها به پاکیزگی را می‌ستاید: «ایرانی‌ها عموماً خوش وارد و مهمان نواز می‌باشند و به نظافت و پاکیزگی سر و وضع لباس خود کاملاً علاقمندند. یک نفر ثروتمند ایران چندین دست لباس فاخر دارد...» (۴۱).

از تأثیرات انقلاب مشروطه بر ساختار بهداشتی نمی‌توان سخنی به میان آورد، ولی در جای‌جای سفرنامه‌های سیاحان، در خلال جنگ جهانی اول، از شیوع بیماری‌های مسری و قربانی گرفتن آن‌ها در ایران، چه در شهر و چه در روستا، سخن به میان آمده است. از لحاظ نظافت سطح معابر و زدودن گرد و خاک خیابان‌ها، دولت اقداماتی انجام می‌داده است. زباله‌ها و فضولات این مکان‌ها، به وسیله قاطر و الاغ به بیرون شهر انتقال می‌شده است (۴۲).

در اواخر دوره قاجار، میل‌سپو وضع بهداشتی ایران را درمقایسه با کشورهای غربی رضایت بخش ندانسته، ولی گفته است: «با توجه به سلامت جسمانی بیشتر مردم، شرایط بهداشتی موجود زیاد هم ناخوشایند نمی‌باشد» (۴۳). شاید آنچه که میل‌سپو را وادار به اظهارداشتن این سخنان نموده، اقداماتی بوده که از سوی بلدیة شهرها انجام گرفته و سطح بهداشت را بالا برده است (۳۱).

از دیگر عوامل و یکی از تغییرات مهمی که در نحوه درمان و طبابت نمودن بیماران و افزایش سطح بهداشتی اهالی در این دوره روی نمود، به وجود آمدن بیمارستان در سطح تهران و

نظیر طاعون و وبا و شیوع آن‌ها در نواحی شهری گاه‌گاه هم موجب می‌شده است که شهری از سکنه خالی گردد (۱۴).

همانطور که در بخش یافته‌ها اشاره شد، دوره قاجار از نظر وضعیت بهداشتی مانند دوره‌های پیش از خود در سطح نازلی قرار داشت و به نظر این اوضاع نامساعد بهداشتی در بروز و شیوع بیماری‌ها نقش اساسی و مؤثری داشته، به گونه‌ای که در گزارش سیاحان نیز اشاره شد، شیوع بیماری‌های مسری در این دوران باعث مرگ تعداد زیادی از مردم ایران شد که علت بسیاری از این بیماری‌ها ناشی از ضعف مراقبت‌های بهداشت عمومی، استفاده از آب آلوده و اماکن غیر بهداشتی محل سکونت افراد و... بود. به گفته این سیاحان در شهرها مکانی برای مداوای بیماران وجود نداشته است و کسانی که علم طبابت می‌خوانده و عمل طبابت می‌نمودند، از اطلاع کافی برخوردار نبوده‌اند. به هنگام شیوع بیماری‌های واگیر طبیعی و حکیمان نمی‌توانستند کاری انجام دهند. آن‌ها هنگامی که مورد مراجعه مردم قرار می‌گرفته‌اند و یا خود بر بالین مریض حاضر می‌شده‌اند، به دلیل عدم وقوف کافی بر علم طب و به علت در اختیار نداشتن داروهای مؤثر و کافی برای مداوای مریضان خود، کار زیاد و یا حتی قابل توجهی انجام نمی‌داده‌اند. داروهای تجویز شده از سوی طبیب در عطاری‌ها تهیه می‌شد، هرچند کار بعضی از این طبیبان در تشخیص و درمان بیماری‌ها مورد تأیید سفرنامه‌نویسان قرار گرفته است. دعانویسی و استفاده از طلسمات از دیگر شیوه‌های درمان بیماری در میان ساکنان ایران بوده است که به وسیله ملا و یا دراویش انجام می‌گرفته است و بسیاری از مردم برای استفاده از داروهای تجویز شده طبیبان استخاره می‌گرفتند.

با توجه به نظر سیاحان می‌توان استنباط نمود که شیوه معالجه بیماری‌ها و رعایت کردن بهداشت عمومی در شهرهای ایران در دوره سلطنت ناصرالدین‌شاه تفاوت چندانی با دوره قبل از خود نداشته است. با وجود اقدامات اولیه امیرکبیر در این زمینه و ایجاد شدن بیمارستان‌های معدود و کوچکی، از سوی هیأت‌های مذهبی اروپایی، میزان مرگ و میر و شیوع بیماری‌ها همچنان در خلال سلطنت ناصرالدین‌شاه بالا بوده است.

اقدامات مقطعی امیرکبیر در زمینه بهداشت عمومی و سلامتی مردمان نیز نتوانست این مشکل را حل کند. در شهرها همچنان در میان مردمان تب و اسهال خونی شایع بوده، جزام و سالک نیز بسیاری را رنج می‌داده است. بیماری چون اسهال خونی همگانی بوده، در همه جا شیوع داشته و هر روز، هر ماه و هر سال قربانیان بسیاری می‌گرفته است.

طبق نظر سیاحان خارجی یکی از نمونه‌های بارز رعایت نکردن موارد بهداشتی در این دوران مربوط به موازین بهداشت آب و استفاده از آن توسط مردم ایران می‌باشد که همان‌گونه که در نتایج اشاره شد، اکثر این سیاحان در سفرنامه‌های خود اذعان داشتند که ایرانیان با آلوده سازی و استفاده از این آب‌ها سلامت خود و سایرین را به خطر می‌انداختند و باعث افزایش بروز بیماری‌های منتقله از راه آب همچون وبا و بیماری‌های انگلی می‌شدند، کمبود بارندگی و کمبود دسترسی به منابع آب و استفاده همگانی از آب‌های موجود نیز بر بدتر شدن وضعیت بهداشتی آن زمان و از جمله شیوع بیماری‌های چشمی (مانند تراخم) در مناطق گرمسیر به دلیل محدودیت منابع آبی افزوده بود. با این وجود به نظر می‌آید که سیاحان خارجی در مورد آلودگی آب استفاده‌های شرعی ایرانیان از منابع آبی را با دیدی نقادانه ارزیابی کرده‌اند که نباید از نظر غافل داشت همانطور که قبلاً اشاره شد، داوری سیاحان غربی از وضعیت بهداشتی ایران بستگی به نوع مأموریت آن‌ها در ایران، نحوه برخورد ایرانیان با آنان و تعصبات آن‌ها نسبت به ملیت و مذهب ایرانی‌ها داشته و بعضاً به دلیل زمان‌های کوتاه زندگی آنان در شهرها و روستاهای ایران و عدم شناخت درست مردمان ایران و آموزه‌های دین اسلام و گاهی از روی تعصبات زیاد جهت زیر سؤال بردن اعتقادات مذهبی مردم ایران در این دوران بوده است. با این وجود برخی از سیاحان نیز از جمله پولاک که خود از سیاحان معروف می‌باشد، به صراحت به ضعف و کمی ابزارها و معلومات پزشکان فرنگی از یک طرف و نیز تعدد و تکثر نظرات و روش‌های درمانی برگرفته از طب ایرانی در ایران و در دارالفنون ضمن سفر خود به ایران اشاره داشته است که این امر نشان از تفاوت دیدگاه‌های سیاحان در ارائه وضعیت پزشکی ایران در زمان خود دارد.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر برگرفته از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ علوم پزشکی با کد مصوب ۱۲۸۱ و کد اخلاق IR.ARAKMU.REC.1394.212 با عنوان بررسی وضعیت بهداشتی و پزشکی دوره قاجار از دیدگاه سفرنامه نویسان توسط دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ علوم پزشکی خانم افسانه رضایی با راهنمایی جناب آقای دکتر سیدعبداله محمودی و جناب آقای دکتر عبدالله متولی و استاد مشاور جناب آقای دکتر علی اصغر فرازی در دانشگاه علوم پزشکی اراک می باشد.

در دوره انقلاب مشروطه اقداماتی در راستای نظافت سطح معابر و زدودن گرد و خاک خیابان ها از سوی دولت صورت گرفت. با توجه به گزارشاتی از اواخر دوره قاجار می توان به وجود آمدن تغییراتی در سطح بهداشت عمومی در اواخر حکومت سلسله قاجار پی برد، هرچند که در همین زمان در بسیاری از شهرها و روستاهای کشور به خصوص در نواحی دور افتاده سطح بهداشتی پایین بوده و مرگ و میر کودکان در سطح بالایی قرار داشته است.

در پایان می توان اشاره نمود که با وجود وضعیت نامناسب بهداشتی دو نهاد آموزشی این دوران که همان دارالفنون و مجلس حفظالصحه بودند، همراه با عواملی همچون افزایش ارتباطات با کشورهای دیگر از طریق دانش آموختگان بازگشته و پزشکان خارجی حاضر در ایران روند تحول خواهی در عرصه پزشکی و بهداشتی در کشور افزایش و گفتمان جدیدی در عرصه تحولات پزشکی و بهداشتی در سالیان بعد در ایران به همراه داشت.

نتیجه گیری

با توجه به نتایج این بررسی به نظر می رسد وضعیت نامناسب بهداشتی در دوره قاجار و ناآگاهی مردم از مسائل بهداشتی و همچنین بی توجهی دولت به وضعیت بهداشت مردم منجر به بروز و شیوع زیاد بیماری ها در این دوران گردیده که این امر در سفرنامه های بسیاری از سیاحان نیز دیده می شود. به نظر می رسد نبود زیرساخت های بهداشتی گزارش شده در سفرنامه های سیاحان و همچنین ناآگاهی توده عظیم مردم و مقاومت فرهنگی آنان نسبت به رعایت موازین بهداشتی و اعتقادات غلط بهداشتی آنان در بروز بیماری و افزایش مرگ و میر در این دوران مؤثر بوده است.

مهم ترین محدودیت های پژوهش حاضر عدم دسترسی آسان به منابع تاریخی، نسخ خطی و اسناد مرتبط، وجود تحریفات احتمالی در منابع مکتوب، جهت گیری ها و سوگیری های نویسندگان سفرنامه ها و فقدان پژوهش جامع در زمینه تاریخ پزشکی قاجار به زبان فارسی.

References

1. Abrahamid Y. Iran between two Revolutions. Translated by Golmohammadi A, Fatahi ME. Tehran: Nay Publication; 1998. p.63-80. [Persian]
2. Upton J. An Attitude to the History of Modern Iran. Translation by Ajand Y. 2nd ed. Tehran: Niloofar Publication; 1982. p.25. [Persian]
3. Rahmanian D, Mirzai M. The decline of Karisian civilization according to the allegorical travelogues of the Qajar era. *Journal of Research on Social History* 2012; 2(2): 55-75. [Persian]
4. Orlell E. Orsel Travelogue. Translation by Sa'idi AA. Tehran: Zavvar Publication; 1974. p.40-50.
5. Olivier S. Olivier's Travelogue (Socio-Economic History of Iran in the Early Era of the Qajar). Translation by Taher Mirza M. Corrected by Rahram G. Tehran: Information Publication; 1992. p.60-83.
6. Barnes A. Barnes Travel (Travel to Iran during Fath Ali Shah). Translation of Soltani Far H. Mashhad: Cultural Assistant of Astan Quds Razavi Publication; 1984. p.255.
7. Brown E. One Year Among Iranians. Translated by Salehi Allameh M. 4th ed. Tehran: Akhtaran Publication; 2008. p.41.
8. Bird F, Weston AL, Harold F. Exploration in Iran after the Constitutional Revolution. Translation by Mazhari Kermani A. 1st ed. Tehran: Janan Publication; 1997. p.102-125.
9. Pollack Jakob E. Pollack's Traveler (Iran and Iranians). Translation by Jahandari K. Tehran: Kharazmi Publication; 2001. p.75.
10. Fayyaz A. Effect of superstitions and diversionary beliefs on the spread of diseases in the Qajar era. *Journal of Muskye* 2011; 6(19): 73-98. [Persian]
11. Forozesh S. Mazandaran in travelogues and geography texts of the Qajar era. *Journal of Muskye* 2010; 5(13): 75-102. [Persian]
12. Zand M. A Comparative Study of Western and Oriental Studies of Iran Based on the Representation of Iranian People's Culture in Travelogues of Europeans in the Qajar Period. *Journal of National Studies* 2010; 11(42): 153-182. [Persian]
13. Ghadimi GH. An Investigation of Unknown History of the Qajar Lead (History of Fath Ali Shah Qajar. *Journal of Ghangineh Asnad* 2010; 20(1): 10-21. [Persian]
14. Kasiri M. Qajar Era Health - Hygiene and Beauty. Tehran: Publication Amir Kabir; 2012. p.29-83.
15. Bani Iqbal N, Heidari A. Content analysis of translated British travel guides about Iran. *Journal of Sociology (Library and Information Science and Information Technology)* 2009; 2(6): 11-24.
16. Karimi A. Reflection of Iranian Cultural Identity in Safavieh and Qajar Travels. *Journal of National Studies* 2007; 8(1): 31-62. [Persian]
17. Demorgan D. Demorgan Travel. Translated by Ghaem Maghami J. Tehran: Publication of Tahori; 1985. p.135.
18. Nateq N. Iran from the Viewpoint of Goobino. Translated by Afshar M. Tehran: Publication of Literary and Historical; 1984. p.111. [Persian]
19. Jackson Abraham W. Jackson's Travelogue (Iran in the Past and Present). Translated by Amiri M, Badrei F. Tehran: Publication of Kharazmi; 1989. p.136.
20. Shabani R. The Foundations of Iranian Social History. Tehran: Publication of Ghoms; 1993. p.137.
21. Shamim AA. Iran during the Qajar Reign. Tehran: Publication of Scientific; 1990. p.13. [Persian]
22. Jamili-Kohneshahri F, Nadi Z. Typology of sociological ambivalence in foreign travelogues of Qajar era. *Journal of Historical Sociology* 2013; 5(1): 31-72. [Persian]
23. Ghanjbakhsh M. Development of health in the late Qajar period. *Journal of Medical History* 2010; 2(3): 139-155. [Persian]
24. Murray J. Travelogue by James Murray. Translated by Sari A. 1st ed. Tehran: Publication of Toos; 2007. p.137.
25. Hallingbury W. Sirjan Malekm travel newspaper. Translation by Amiri AH. 1st ed. Tehran: Publication of Sara; 1986. p.136.
26. Dugobino K. Iranian Letters. Translated by Ghaffari O. Tehran: Publication of Saghafi; 1972. p.134.
27. Fava D. Madame Diola Fava's Travelogue. Translated by Farah Vashi H. 1st ed. Tehran: Publication of World of Books; 2011. p.20.
28. Brögsh H. A Journey to the Court of the Sultan of Sahebgaran. Translated by Kordbechah H. Tehran: Publication of Information; 1987. p.136.
29. Fyodorukurf B. Fyodorokurf travelogue. Translation by Zabihian A. Tehran: Publication of Thinking Today; 1993. p.13-45.
30. Edmonds S, John D. Two Travelogues about Lorestan. Translation by Amanollahi S, Bakhtiar L. Tehran: Publication of Babak; 1985. p.36-69.

31. Gilmour John. Report on the Study of Correct Terms in the Country of Iran. Translation by Faghih M. Tehran: Publication of Collection in Chantheh Behrouz; 1970. p.135.
32. Dervil G. Travelogue Derviil. Translated by Mahi J. 1st ed. Tehran: Publication of Gothenburg; 2008. p.23.
33. Flora W. The Health of People in Qajar Iran. Translated by Nabi Pour I. Bushehr: Publication of Gulf Health Research Center; 2007. p.138.
34. Juber p. Travel to Armenia and Iran. Translated by Masaheb M. Tabriz: Chahar Publication; 1964. p.146.
35. Kottsbu M. Travel to Iran. Translated by Hedayat M. Tehran: Javidan Publication; 1985. p.45-89.
36. Dalamani HR. Travelogue Khorasan to Bakhtiari. Translated by Farahvashi H. Tehran: Amir Kabir Publishing House; 1965. p.58-102. [Persian]
37. Barnes A. Barnes Travel (Travel to Iran during Fath Ali Shah). Translated by Soltanifar H. Mashhad: Astan Quds Razavi Cultural Assistant Publication; 1986. p.168-209.
38. Dobad B, Clement O. Travelogue of Lorestan and Khouzeestan. Translated by Aria MH. Tehran: Scientific and Cultural Company Publication; 2009. p.14.
39. Krzan G. Iran and the Case of Iran. Translated by Mazandarani V. Tehran: Translating and Publishing Book; 1970. p.325.
40. Layard AH. Layard Traveler or Primitive Adventures in Iran. Translated by Amiri M. Tehran: Vahid Publication; 1987. p.212.
41. Sykes S. Travelogue jeneral Serpersy Sakes (ten thousand miles in Iran). Translated by Noori HS. 1st ed. Tehran: Lome Publication; 1983. p.150. [Persian]
42. Anne C. Memoirs of Claude Anne's Travel at the Beginning of the Constitutional Revolution (Iranian Papers). Translated by Proshani I. 1st ed. Tehran: Moin Publication; 1988. p.311.
43. Milsapu S. The Americans Mission to Iran. Translated by Abotrabian H. 1st ed. Tehran: Message Publication; 1983. p.25-36.
44. Floor B. Public Health in Qajar Iran. Washington DC: MAGE; 2004. p.252.
45. Ringer P, Monica M. Education, Religion and the Discourse of Cultural Reform in Qajar Iran. Translated by Haghighatkhah M. Tehran: Ghoghnoos Publication; 2006. p.85.